

## دوم تواریخ باب 34

یوشیا، پادشاه یهودا

(دوم پادشاهان 1: 22-2)

1 یوشیا هشت ساله بود که پادشاه شد و مدت سی و یک سال در اورشلیم پادشاهی کرد. 2 او آنچه را که از نظر خداوند درست بود، انجام داد و در راه جدّ خود، داوود گام برداشت و فرمانهای خداوند را بجا آورد.

3 در سال هشتم سلطنت خود، درحالی که هنوز جوان بود، به پرستش خدای جدّ خود، داوود پرداخت، چهار سال بعد پرستشگاههای بالای تپه‌ها و الهه‌های اشیره و همهٔ بت‌های دیگر را درهم شکست. 4 در حضور او، قربانگاه بت بعل را سرنگون کردند. او قربانگاه بُخوری را که بالای آنها قرار داشت، درهم شکست. او الهه‌های اشیره را شکست و پراکنده ساخت و بت‌های فلزی و کنده‌کاری شده را به خاک تبدیل کرد و خاک آنها را بر گور کسانی که برای آنها قربانی می‌کردند پاشید. 5 او همچنین استخوان کاهنان بت‌ها را در روی قربانگاههای ایشان سوزاند و یهودا و اورشلیم را پاکسازی کرد. 6-7 در شهرهای منسی، افرایم و شمعون، تا نفتالی و خرابه‌های اطراف آنها او قربانگاهها را درهم شکست و الههٔ اشیره و دیگر بت‌ها را با خاک یکسان کرد و در سراسر سرزمین اسرائیل قربانگاههای بُخور را ویران کرد. آنگاه به اورشلیم بازگشت.

یافتن تورات

(دوم پادشاهان 3: 22-20)

8 یوشیا در سال هجدهم سلطنت خود، پس از پاکسازی معبد بزرگ و سرزمین، شافان پسر اصلیا، معسیا، فرماندار شهر اورشلیم و یوآخ پسر یوآحاز خبرنگار را فرستاد تا معبد بزرگ خدای خود را بازسازی کنند. 9 ایشان نزد حلقیای کاهن اعظم آمدند و پولی را که لایوانِ دروازه‌بان از مردم منسی، افرایم و سایر مردم اسرائیل و از تمام یهودا، بنیامین و ساکنان اورشلیم جمع کرده و به معبد بزرگ آورده بودند، به او دادند. 10 ایشان پول را به ناظران بازسازی و کارگرانی که معبد بزرگ را تعمیر می‌کردند، سپردند 11 تا با آن دستمزد نجاران، معماران و بهای سنگهای تراشیده شده و الوار برای ساختن ساختمانهایی که به خاطر بی‌توجهی پادشاهان یهود رو به ویرانی بود را بپردازند. 12 مردان کارگر وفادارانه کار می‌کردند. ایشان زیر نظر چهار نفر از لایوان به نامهای یَحْت و عوبدیا از لایوان خانوادهٔ مراری، زکریا و مشلام از خانوادهٔ قهات، همراه با لایوانی که در نواختن آلات موسیقی مهارت داشتند، انجام وظیفه می‌کردند. 13 ایشان کار باربران و دیگر کارگران را سرپرستی می‌کردند و گروهی از لایوان هم در خدمت نویسندگی و دروازه‌بانی، انجام وظیفه می‌کردند.

حلقیا کتاب تورات را می‌یابد

14 هنگامی که پولی را که به معبد بزرگ آورده بودند، بیرون می‌آوردند، حلقیای کاهن، کتاب قوانین

خداوند را که توسط موسی داده شده بود، پیدا کرد 15 و به شافان، منشی دربار گفت: «من کتاب قوانین را در معبد بزرگ پیدا کرده‌ام.» و کتاب را به او داد. 16 شافان کتاب را نزد پادشاه آورد و گزارش داد: «آنچه را که به عهدهٔ مأموران گذاشتی، دارند انجام می‌دهند. 17 ایشان پولی را که در معبد بزرگ بود، به کارفرمایان و کارگران داده‌اند.» 18 شافان همچنین به پادشاه اطلاع داد: «حلقیای کاهن کتابی به من داده است.» آنگاه شافان از آن کتاب برای پادشاه خواند.

19 هنگامی که پادشاه کلمات تورات را شنید، جامعهٔ خود را درید 20 و به حلقیا، اخیقام پسر شافان، عبدون پسر میکا، شافان منشی دربار و عسایا، خادم پادشاه چنین امر کرد: 21 «بروید و از طرف من و سایر مردمی که هنوز در اسرائیل و یهودا هستند از خداوند دربارهٔ آموزشهای این کتابی که پیدا شده، هدایت بخواهید، چون خشم خداوند که بر ما فرود آمده، بزرگ است، زیرا نیاکان ما کلام خداوند را بجا نیاوردند و مطابق نوشته‌های این کتاب عمل نکردند.»

22 پس حلقیا و کسان دیگر نزد حُلده نبی، که زن شلوم بود رفتند. (شلوم پسر توقهت و نوهٔ حسره، مسئول لباسهای معبد بزرگ بود.) او در قسمت جدید اورشلیم می‌زیست. ایشان در این مورد با او سخن گفتند. 23 او اعلام کرد: «خداوند، خدای اسرائیل چنین می‌فرماید: بروید و به کسی که شما را فرستاده است بگویید، 24 برآستی که بر این سرزمین و ساکنان آن بلایا و تمام نفرین‌هایی را که در این کتاب نوشته شده و در حضور پادشاه یهودا خوانده شده، خواهم آورد. 25 زیرا ایشان مرا ترک کرده‌اند و برای خدایان دیگر قربانی می‌کنند، خشم مرا با کردار دستهای خود برانگیخته‌اند. خشم من بر این سرزمین خواهد ریخت و سیراب نخواهد شد. 26 اما در مورد پادشاه به او بگویید خداوند، خدای اسرائیل چنین می‌فرماید: تو به آنچه در کتاب نوشته شده است، گوش فرا دادی، 27 و توبه کردی، و خود را در برابر من فروتن کردی، جامعهٔ خود را دریدی و هنگامی که تهدیدهای مرا در مورد اورشلیم و ساکنان آن شنیدی، گریستی، من نیایش تو را شنیده‌ام 28 و مجازات اورشلیم بعد از مرگ تو رخ خواهد داد. تو در آسودگی خواهی مرد.»

پس ایشان جواب نبی را به پادشاه رساندند.

تجدید پیمان

(دوم پادشاهان 1: 20-23)

29 آنگاه پادشاه برای رهبران یهودا و اورشلیم پیام فرستاد تا گرد هم آیند. 30 پادشاه با همهٔ مردم یهودا و ساکنان اورشلیم، کاهنان، لایوان، کوچک و بزرگ به معبد بزرگ رفت. او تمام کتاب پیمان را که در معبد بزرگ یافته بود، برای مردم خواند. 31 پادشاه در مکان خود ایستاد و در برابر خداوند پیمان بست تا از خداوند پیروی کند، فرمانهای او را بجا آورد و قوانین و احکام او و پیمانی را که در کتاب نوشته شده بود، با تمامی دل و جان بجا آورد. 32 او مردم بنیامین و هرکسی را که در اورشلیم بود، مجبور کرد تا سوگند بخورند که پیمان را نگه دارند، و مردم اورشلیم از ضوابطی که در پیمان ایشان با خدای نیاکان خویش داشتند، پیروی کردند. 33 یوشیای پادشاه تمام بُتهای نفرت‌انگیز را که در سرزمینهای مردم اسرائیل بود برداشت و همهٔ کسانی را که در اسرائیل بودند، مجبور کرد تا خداوند، خدای خود را پرستش

کنند و تا زمانی که زنده بود، مردم را واداشت تا خداوند، خدای نیاکانشان را خدمت کنند.